

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام مقام معظم رهبری به هزاره ادیان

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على جميع أنبيائه ورسله ، سيما على خاتم النبيين محمد وآله الطاهرين والسلام على بقية الله فى الارضين.

گردهمایی نمایندگان ادیان عالم را کاری شایسته و مبارک می شمارم ؛ از خداوند متعال ، توفیق عمل به گفته ها و تداوم تلاش برای بهره مند کردن بشریت از دین الهی را مسئلت می کنم. رهبران ادیان ، امروز خود را جانشینان پیامبران و دنباله روان و ادامه دهندگان راه آنان می شمارند. هدف ادیان چه بوده و پیامبران به مخاطبان خود ، چه پیامی را از سوی خداوند متعال عرضه کرده اند ؟ پاسخ به این سؤال باید امروز راه و روش همه کسانی را که پرچم ادیان را در دست دارند ، روشن سازد.

بی شک ، ادیان ، همگی فلاح و رستگاری و نجات انسان را هدف خود دانسته اند و هر یک به تناسب زمان و مکان و ظرفیت مخاطبان ، برنامه ای را از سوی خداوند به میان مردم آورده اند. آنان عموماً برای ابلاغ و تحقق بخشیدن به پیام خود ، متحمل مجاهداتی دشوار و طولانی گشته و نمونه های ممتازی از فداکاری در راه عقیده و راه خود را در یادها ماندگار ساخته اند. این جهاد و تلاش مؤمنانه برای رستگاری مردم و در راه خدا و عموماً در برابر امیال و غرضها یا در برابر جهالتهایی بوده است که صاحبان اغراض به آن دامن می زده اند. تاریخ جهان و کتابهای مقدس ادیان ، سرشار از ذکر این مجاهدتها و تجلیل از آن مجاهدان است.

دین خدا رستگاری را برای مردمی خاص و زمانی خاص و منطقه ای خاص نمی خواهد ، آن را بر مردم تحمیل نمی کند ، آن را مخصوص بخشی از عرصه های زندگی آنان نمی داند. بلکه همه مردم در همه جا و همه وقت و نسبت به زندگی فردی و اجتماعی خود ، مخاطب پیامبران خدای اند و آنان با جلب ایمان و برانگیختن خرد و تلاش انسانها ، هدایت الهی را به مردم هدیه می کنند و صراط مستقیم به سوی فلاح و صلاح را در برابر آنان می گشایند.

تجربه دردناک قرنهای اخیر و مخصوصاً قرن بیستم ثابت کرد که پیشرفت علم به تنهایی بشر را به سعادت نمی رساند و صلح را به ارمغان نمی آورد. علم وقتی برای جامعه بشری سودمند است که با عشق، انگیزه و ایمان همراه شود و این گمشده ها را باید در ادیان جست و جو کرد.

شایسته نیست که برنامه پیام آوران سعادت انسان را منحصر به عمل فردی و رابطه روحی او با خدا بپنداریم و عرصه عظیم رابطه انسان با انسان، رابطه فرد با جامعه، رابطه انسان با محیطزیست و تشکیل نظام اجتماعی و سیاسی را از آن محروم بدانیم.

از نظر ما همه پیامبران خدا در این خط روشن، راه پیموده اند و ما به همه پیامبران ایمان و عشق می ورزیم: (... لَانْفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ...)^۱.

ادیان الهی، دنیا را محل پرورش آدمی و امتحان او می دانند و منحصرأ راه تعالی معنوی بشر را در بنای دنیایی سالم و به دور از عوارض طغیانها و خودخواهیها و تنگ نظریهای قدرت طلبان و ضعف و جهالت و انفعال کوتاه نظران دانسته اند و برای ایجاد چنین دنیایی مجاهدت کرده اند. رها کردن و بی اعتنایی به طبیعت و نیروها و قوانینی که در آن برای تعالی انسان ودیعه نهاده شده است، همانند تصرف ظالمانه و فسادانگیز در آن محکوم و مردود است.

سلامت محیط پرورش آدمی، به معنای آن است که بشر با خدای خود، با درون خود، با هموعان خود و با طبیعت پیرامون خود با صلح و سلامت رفتار کند. صلح به این معنای عام یکی از بزرگ ترین نیازهای بشر برای رشد و تعالی و رستگاری است. این صلح باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد؛ انبیا کوشیده اند این حقیقت را واقعیت ببخشند. محیط سکوت ناشی از زور و رعب و فریبی که کارگزاران زر و زور در بخشهایی از عالم پدید می آورند، با صلحی که مبشران رستگاری انسان بدان فرا می خوانند، به کلی متفاوت و متناقض است. صلح باید بر مبنای عدالت و با معرفت به کرامت انسان و به دور از اغراض قدرت مداران عالم باشد.

تحمیل سکوت و تسلیم بر مردمی که به دفاع از حق پایمال شده خود برخاسته اند، آن صلحی نیست که پیام وران صلح آسمانی به آن دعوت کرده اند.

^۱ - سوره بقره، آیه ۲۸۵.

در طول تاریخ ، همواره قدرت طلبانی که جز به اشباع هوسهای سیری ناپذیر خود نمی اندیشیده اند ، خواسته اند از دین و رجال دینی نیز در راه مقاصد سلطه طلبانه خود بهره کشی کنند. هیچ دین الهی این نیرنگ بزرگ را تأیید نکرده است. بسیاری از جنگهای به ظاهر مذهبی ، آلوده به چنین سوء نیتی بوده است.

دین در خدمت سیاستهای سلطه طلبانه قرار نمی گیرد ؛ بلکه حوزه سیاست و اداره امور جوامع بشری را جزئی از قلمرو خود می داند و خود در مقام نظام سیاسی ، متکی به عشق و ایمان مردم با آن سیاستها مبارزه می کند.

بسیاری از ارباب سلطه و سیاستمداران قدرت طلب ، دین را از تصرف حوزه سیاست برحذر می دارند و میان دین و سیاست ، مرزی عبورناپذیر تعریف می کنند ؛ گرچه خود ، این مرزبندی را هرگز رعایت نکرده و به حوزه دین دست ندازی و از آن بهره کشی کرده اند.

جهان امروز با مشکل فساد اخلاقی روبه رو است. ادیان می توانند در حلّ این مشکل قویاً چاره ساز و راهگشا باشند ؛ به شرط آنکه در همه پیکر جامعه حضور و جریان داشته باشند و بتوانند انگیزه های اقتصادی را که به فساد اخلاقی دامن می زنند ، تطهیر و تعدیل کنند.

امروز دنیا تجربه موفق تشکیل نظام سیاسی براساس تعالیم دینی را در ایران اسلامی در برابر چشم خود دارد. بزرگ ترین چالش جمهوری اسلامی خنثا کردن مشکلاتی است که از سوی قدرت طلبان بزرگ دنیا بر آن تحمیل می شود. آنان مایل نیستند در این نقطه از جهان نیز هیچ مانعی بر سر راه تحمیلها و ستمگریها و افزون طلبیهای آنان خودنمایی کند.

دوستان و میهمانان ! اگر رهبران ادیان می پذیرند که در جای پیامبران نشسته اند ، راه روشن آن پیام ورانِ فلاح و سعادت انسان ، در برابر آنهاست. این راهی پرتلاش و پرمناح است ، ولی در عین حال ، راهی است که بهجت و رضایت رهرو خود و در نهایت ، رضایت الهی را میسر و محقق می سازد : (... و لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ...)^۲. والحمد لله رب العالمين ...

سید علی خامنه ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَيُّهَا نَسْتَعِينُ

شرح پیام

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على جميع الأنبياء والمرسلين سيّما خاتم النبيّين محمّد (صلى الله عليه وآله وسلّم) و خاتم الوصيّين بقية الله في الأرضين.

حضور رهبران بزرگوار دینی و مذهبی و شرکت اندیش وران نامی را در این گرد همایی صلح جهانی گرامی می دارم و تشکیل چنین محفل با شکوه را ارج می نهم. چون عنصر محوری این اجلاس را تحلیل صلح جهانی و تبیین و تعلیل و حمایت و هدایت آن به عهده دارد، دینی می تواند در این باره فتوا دهد که داعیه جهان شمولی داشته باشد؛ زیرا دعوت جهانی از مکتبی که ادعای جهان شمولی ندارد، مسموع نیست.

اسلام از آن جهت که همگانی و همیشگی است، خود را مفتی اعظم صلح جهانی می داند؛ لذا، لازم است تفسیر کوتاهی از اسلام، صلح، جهان شمول بودن و سایر مبادی تصویری و تصدیقی آن ارائه شود تا توجه عموم مردم جهان کنونی، مخصوصاً اساتید مراکز فرهنگی، بالاخص شما رهبران عالی مقام دینی جهان به آن معطوف گردد.

۱. اسلام مهم ترین عامل حیات بخش جوامع بشری است؛ (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ) ^۳. حیات انسانی که فراتر از زندگی طبیعی است، بدون صلح عادلانه نخواهد بود.

۲. اسلام از آن جهت که حیات و صلح در گهر او نهادینه شده است، توان رهبری صلح جهانی را داراست؛ لذا، رسول گرامی اسلام (صلى الله عليه وآله وسلّم) به عنوان رحمت جهان شمول معرفی شده است؛ (و ما أرسلناك إلاّ رحمةً للعالمين) ^۴ و صلح جهانی از مظاهر بارز رحمت عالمی است.

^۳ - سوره انفال، آیه ۲۴.

^۴ - سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۳. اسلام، تنها دینی است که از طرف خدای سبحان بر آدم و خاتم و سایر انبیا (علیهم السلام) نازل شد و تمام آنچه در صُحُف ابراهیم و زبور داود و تورات موسای کلیم و انجیل عیسیای مسیح (علیهم السلام) آمده، به صورت جامع و کامل در قرآن حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ظهور کرده است. اختلاف محمود و تفاوت ممدوح ادیان الهی فقط در منهج و شریعت است که قرآن کریم، هم به وحدت دین اشارت دارد: **(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ...)**^۵؛ **(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ...)**^۶ و هم به تکثر منهج و شریعت بشارت داده است: **(... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا ...)**^۷.

سرّ وحدت دین، اثبات فطرت انسان و اتحاد همه جانبه آن است: **(... فَطَرْتُمُوهُ الْإِنْسَانَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ فَاسْمِعْ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِهِ الْفِطْرَةَ الَّتِي فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ...)**^۸ و راز کثرت منهج و شریعت، تغیر طبیعت بشر در طول تاریخ است. اسلام، اصول ثابتی دارد که صلح فطرت ثابت انسانی را تأمین می کند و منهج و شریعت‌های متنوع و متفاوتی دارد که صلح طبیعت متغیر بشری را تغذیه می نماید. ۴. اسلام با تبیین مصالح ادیان، مصالح انبیا و اولیای الهی، مصالح امتهای راستین پیام آوران دینی، صراط صلح جهانی را فراسوی سالکان کوی زندگی مسالمت میز نصب می کند تا دولتها با هم، ملت‌ها با هم، دولتها با ملت‌های خود، صلح جویانه به سر برند و حقوق بشر به ویژه کودکان، زنان و کهنسالان از گزند تجاوز زورمداران زراندوز مصون بماند.

اما مصالح ادیان الهی برای آن است که همه آنها از نزد خدای یکتای علیم محض نازل شد و هرچه از ناحیه خدای حکیم نازل شود، از آسیب تنازع و اختلاف مصون است: **(أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)**^۹؛ لذا، هیچ دینی نه مبتلا به اختلاف

^۵ - سوره آل عمران، آیه ۱۹.

^۶ - سوره آل عمران، آیه ۸۵.

^۷ - سوره مائده، آیه ۴۸.

^۸ - سوره روم، آیه ۳۰.

^۹ - سوره نساء، آیه ۸۲.

درونی است و نه درگیر با اختلاف بیرونی با دین دیگر؛ برای آنکه همه از نزد خدای واحد حکیم اند.

تصالح پیامبران

اما تصالح پیام آوران الهی، برای عصمت آنان از سهو و نسیان علمی و مصونیت آنها از عصیان عملی است؛ لذا سنت دارج رسول سابق، تبشیر به قدوم رسول لاحق است و سیرت رایج رسول لاحق، تصدیق اقدام نبی سابق است: (و إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ ...)^{۱۰}. استقرار چنین تصالحي مانع بروز هرگونه ظلم مارج است.

اما تصالح امتهای راستین انبیا برای آن است که پیروی پیام آوران صفا و صلح، مانع کثر راهه جفا و خصومت خواهد بود؛ لذا، قرآن کریم تمام امتهای انبیا را به منزله امت واحد می داند: (يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)^{۱۱}.

اکنون می توان با اتقان چنین مبانی، صلاهی صلح جهانی را از حنجره وحی الهی استماع نمود و با انصاف کامل به آن اصغاء کرد: (... قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا ...)^{۱۲}؛ زیرا مقصود از «قول»، گفتار در قبال رفتار و نوشتار نیست؛ بلکه منظور از «قول»، آئینه نمایان گر تمام شئون اجتماعی است.

چنان که مقصود از «ناس»، صنف خاص از مردم جهان نیست: (... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ...)^{۱۳}؛ یعنی نه تنها در مسائل اقتصادی تطفیف و کم دادن حرام است، بلکه در تمام مسائل انسانی آنچه به عین، منفعت، انتفاع و ... برمی گردد و آنچه به فنّ وری و

^{۱۰} - سوره صف، آیه ۶.

^{۱۱} - سوره مؤمنون، آیات ۵۱ - ۵۲.

^{۱۲} - سوره بقره، آیه ۸۳.

^{۱۳} - سوره اعراف، آیه ۸۵.

ابتکار رجوع می نماید و آنچه به بهره وری از طبیعت از عمق دریا تا سمک و ارتفاع سپهر مرتبط می شود، هرگونه بَخُس، تَضییع، آلوده نمودن و ... حرام خواهد بود.

برای تأکید مطلب و اهتمام به حقوق مردم بعد از تحریم کم گذاشتن نسبت به منافع ملی دیگران، هرگونه عَثو، عَيْث، ظلم و تباهی را منع فرموده است: **(... و لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ)** ^{۱۴}. به منظور صلح جهانی پایدار، نه تنها نباید تن به تباهی ظلم داد و به آن مباهات کرد، بلکه باید جلو هر گونه تعدی را گرفت؛ و گرنه فساد، اولاً زمینه ضعف مراکز عبادی فرهنگی را فراهم می کند، ثانیاً به گستره زمین و اهل آن می رسد.

دو آیه در قرآن، ناظر به تأثیر سوء هدم صلح و تخریب بنای صفا و نظم طبیعی آن است: **۱. (الذین أخرجوا من ديارهم بغير حقٍ إلا أن يقولوا ربنا الله و لولا دفعُ الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامعُ و بيعُ و صلواتُ و مساجدُ يُذكر فيها اسم الله كثيراً و لينصرنَّ الله من ينصره إن الله لقوى عزيز) ۱۵. ۲. (فَهَزَمُوهم بِإِذْنِ اللَّهِ و قَتَلَ دَاوُدَ جَالوتَ و آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ و الْحِكْمَةَ و عَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ و لولا دفعُ اللَّهِ النَّاسَ بعضهم ببعضٍ لفسدتِ الْأَرْضُ و لكنَّ اللَّهَ ذو فَضْلٍ عَلى الْعَالَمِينَ)** ^{۱۶}.

گرچه تناهی از ظلم و نهی ظالم به منظور توسعه صلح پایدار جهانی لازم است، لیکن اثر بارز آن در حمایت از مستضعفان، زنان، کودکان بی پناه روشن می شود: **(و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً)** ^{۱۷}.

با تحریر مطالب فوق، معلوم می شود که بستر صراط صلح جهانی، ره توشه آن، راهیان آن، رهبران آن و بالاخره آغاز و انجام آن، همان اسلام ناب محمدی است که امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بزرگ رهبر دینی مسلمین «ره» در اندیشه علمی خود به آن می

^{۱۴} - سوره شعراء، آیه ۱۸۳.

^{۱۵} - سوره حج، آیه ۴۰.

^{۱۶} - سوره بقره، آیه ۲۵۱.

^{۱۷} - سوره نساء، آیه ۷۵.

پرداخت و در انگیزه عملی خویش به آن اهتمام می ورزید. اکنون جمهوری اسلامی با آن تار و پود، دوران بالندگی و شکوفایی خود را در امور داخلی و خارجی تجربه می کند.

۵. اسلام با تکمیل علوم عقلی، کیفیت بهره وری از آنها را در تأمین صلح عادلانه جهانی به عهده دارد. عناصر محوری علوم عقلی مانند کلام، حکمت، عرفان... را معرفت خدا و شناخت اسمای حسنا و صفات علیای او تشکیل می دهد. سهم مؤثر تقلین (قرآن و عترت) در طرح معارف، توسعه، تعلیل و تبیین آن، به طوری که از گزند اضلال، آسیب اغوا و خطر مغالطه مصون باشد، کاملاً مشهود است و هیچ گونه ظلم علمی در سراسر آن راه ندارد و شرح آن از رسالت این رساله خارج است.

۶. اسلام با متمیم علوم انسانی مهم ترین ره توشه را به جوامع بشری اهدا کرد. اسلام انسان را به عنوان حی متأله می داند؛ نه حیوان ناطق و حیات او را در تأله وی خلاصه می کند و غیر موحد را از حیات ملکوتی محروم می داند؛ **(لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ)**.^{۱۸} تقابل زنده و کافر، آیت زنده بودن مؤمن و مرده بودن کافر است.

از این رهگذر، فقه، حقوق، اخلاق و سایر رشته های علوم انسانی را مشروحاً ارائه کرد و اخلاق را همواره مطمح نظر داشت و سرانجام، راز آفرینش را نیل انسان به علم صائب و عمل صالح دانست که با این دو بال می توان مرغ ملکوتی صلح جهانی را به پرواز درآورد.

اما علم صائب: **(اللهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا)**^{۱۹}؛ اما عمل صالح که تبلور آن در عبادت خداست: **(وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)**.^{۲۰}

تبصره: یکی از حساس ترین رشته های علوم انسانی، مسئله سیاست و آیین کشورداری است. اسلام دین را به عنوان قانون اساسی زندگی فردی اجتماعی در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، نظامی... می داند که آن را به منظور قیام مردم به قسط و عدل که از ارکان اصیل صلح جهانی

^{۱۸} - سوره یس، آیه ۷۰.

^{۱۹} - سوره طلاق، آیه ۱۲.

^{۲۰} - سوره ذاریات، آیه ۵۶.

است ، معرفی می کند ؛ (... ليقوم الناس بالقسط)^{۲۱} و پیام وران الهی در این راه صعب العبور از ایثار و نثار نفس و نفیس دریغ نکردند و برای شکوفایی صلح جهانی عادلانه ، شهادت در راه خدا را استقبال فرمودند : (وكأين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما أصابهم في سبيل الله و ما ضعفوا و ما استكانوا و الله يحب الصابرين)^{۲۲} ، (... و يقتلون النبيين بغير الحق)^{۲۳} ، (ويقتلون الأنبياء بغير حق)^{۲۴} .

لیکن در این راستا طاغیان مهاجم صلح عادلانه که عین سازش محمود است ، به منظور تبدیل آن به صلح ظالمانه تحمیلی که عین سوزش مذموم است ، از هیچ کوشش ناروایی دست برنداشتند ؛ گاهی اصل دین را خرافه پنداشتند ، زمانی تاریخ مصرف آن را گذشته انگاشتند و با یأس از آن دو نیرنگ ، به فریب مدرن پناه بردند و آن جدایی دین از سیاست است. هدف مشؤم آنان از این تفکیک غیرمعقول ، خلع سلاح دین از توان مقابله با نیروی مهاجم است تا بعد از ضعف او به وی بتازند ، آن را در اسارت خویش درآورند تا متون آن را هوامدارانه تحریف کنند و احکام آن را هوسبازانه تخریب نمایند.

چنان که حضرت علی بن ابی طالب از بزرگ ترین امامان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) چنین فرمود : « فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَ تُطْلَبُ بِهِ الدُّنْيَا »^{۲۵} . هرگز سیاست باز طاغی ، دسیسه سیاسی خود را بدون استمداد از دین مظلوم که در دل‌های مردم تعبیه شده اعمال نمی کند. چهره های و غاظ السلاطین ، مشایخ سوء ، علمای دربار ... سند دست درازی سیاست غاشم به دین ، بعد از کوتاه کردن دست دین از سیاست است. ۷. اسلام با ترغیب به علوم تجربی و ریاضی و ... ، هم به ترتیب منطقی مباحث آنها پرداخته و هم از اکتفای به آنها و اغترار به داشتن آنها و اعمال نابجای آنها ترهیب نموده است ؛ اما اصل

^{۲۱} - سوره حدید ، آیه ۲۵ .

^{۲۲} - سوره آل عمران ، آیه ۱۴۶ .

^{۲۳} - سوره بقره ، آیه ۶۱ .

^{۲۴} - سوره آل عمران ، آیه ۱۱۲ .

^{۲۵} - نهج البلاغه ، نامه ۵۳ .

تحریر اسلام به فراگیری این گونه از علوم، نیازی به بازگو کردن ندارد؛ اما بیان ترتیب منطقی مسائل این علوم، به این است که سبک متداول تبیین آنها به شرح سیر افقی اشیا و تفسیر عرضی اسرار طبیعی و ریاضی است؛ مثلاً فلان موجود زمینی یا سپهری در گذشته دور چنین بوده است و هم کنون نیز چنین است و پیش بینی می شود که در آینده به فلان صورت درآید. در این تفسیر فقط به نظام داخلی امور طبیعی و ریاضی پرداخته می شود.

لیکن اسلام، گذشته از اشاره کوتاه و موضعی به کیفیت ساختار درونی آنها به تبیین نظام فاعلی و نظام غایی آنها نیز همت می گمارد و با رمز گویای (هوالأول و الآخر)^{۲۶} به مبدأ پیدایش اسرار جهان می پردازد و به مبدأ غایی و هدف سامی آن کاملاً عنایت می کند و علم تجربی و مانند آن را تفسیر صحیح کتاب تکوینی خدای سبحان می داند و غفلت از دو بال عمودی علوم را مایه اَبتر بودن آنها می شمارد.

آشنایان به قرآن کریم آگاهند که این کتاب الهی در تبیین کتاب تکوین، یا از وحدت هویت خدا آغاز می کند و به کثرت مظاهر خلقی آن می پردازد: (هو الذی خلق السَّموات والأرض فی ستة أَيامٍ ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الأرض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یرج فیها و هو معکم این ما کنتم والله بما تعملون بصیر)^{۲۷} و یا از کثرت آیات آفرینش آغاز می کند و به وحدت آفریدگار آنها ختم می شود: (إن فی خلق السموات والأرض و اختلاف الیل و النهار لآیاتٍ لأولی الألباب * الذین یدکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم یتفکرون فی خلق السموات و الأرض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار)^{۲۸}.

اما ترهیب از اکتفا و اغترار به آن علم تجربی... و تحذیر از به کارگیری آنها در کژراهه خصومت و تهاجم به صلح عادلانه جهانی، آیاتی از این قبیل دلالت دارد: (فلما جاءتهم رُسُلهم بالبینات فرحوا بما عندهم من العلم و حاق بهم ما كانوا به یتستهبون)^{۲۹}؛ (الله الذی سخّر لکم

^{۲۶} - سوره حدید، آیه ۳.

^{۲۷} - سوره حدید، آیه ۴.

^{۲۸} - سوره آل عمران، آیات ۱۹۰ - ۱۹۱.

^{۲۹} - سوره غافر، آیه ۸۳.

البحر لتجری الفلک فیہ بأمره و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون * و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الأرض جمیعاً منه إن فی ذلک لآیاتٍ لقوم یتفکرون)^{۳۰}. اسلام در عین تکریم عقل و تجربه از جهت معرفت شناسی و تجلیل ره آورد برهان عقلی و تجربه حسی و فتوا به لزوم آنها در تأمین صلح عادلانه و حیات متمدنانه ، آنها را برای تأمین تمام نیازهای علمی و عملی بشر کافی نمی داند ؛ لذا ، همان طور که درباره علوم طبیعی و مانند آن که محصول تجارب بشری است ، حکم به عدم کفایت کرد ، درباره علوم عقلی و نظیر آن که نتیجه تأملات عقلی بشر است ، نیز فتوا به عدم کفایت داده و ضرورت ارسال انبیا و انزال وحی را گوشزد نموده و در این باره چنین فرموده است : (و رسلاً قد قصصناهم علیک من قبل و رسلاً لم نقصصهم علیک و کلم الله موسی تکلیماً * رسلاً مبشّرين و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل و کان الله عزیزاً حکیماً)^{۳۱}.

هدایت اسلام درباره عدم کفایت ره ورد عقلی و تجربی بشر برای تأمین تمدنی که عین تدبیر الهی باشد ، بازگو شد. رهنمود اسلام درباره پرهیز از به کارگیری علوم بشری به منظور تباهی محیط زیست و محروم کردن دیگران از حقوق خداداد ، چنین است : (... فاذکروا الاء الله و لاتعثنوا فی الأرض مفسدین) ؛^{۳۲} (ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس لیسذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون)^{۳۳}.

تجربه تلخ تاریخ در گذشته و حال نشان می دهد که ره آورد سلاح علمی بدون صلاح دینی ، چیزی جز طلاح زورمداران و طغوی طایغان نبوده و نیست. پیام اسلام در این باره چنین است : (قالت إن الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها و جعلوا أعزة أهلها أذلةً و كذلك یفعلون)^{۳۴}. هرگاه قدرت یا ابرقدرت فاقد عشق مردمی و تهی از تعبد دینی ، وارد منطقه کوچک یا بزرگ شود ،

^{۳۰} - سوره جاثیه ، آیات ۱۲ - ۱۳.

^{۳۱} - سوره نساء ، آیات ۱۶۴ - ۱۶۵.

^{۳۲} - سوره اعراف ، آیه ۷۴.

^{۳۳} - سوره روم ، آیه ۴۱.

^{۳۴} - سوره نمل ، آیه ۳۴.

آنجا را ناامن می کند ، وحدت و شکوه مردمی را درهم می ریزد ، منافع ملی را به غارت می دهد که همه اینها مانع برقراری صلح عادلانه است.

لیکن باید بدانند ندای رسمی خدای سبحان که با صلای پرصلابت انبیاى ابراهیمی به جهانیان ابلاغ شد ، هماره طنین انداز است که خداوند در کمین قاهران مانع از صلح عادلانه است و به حیات همه آنان به ویژه ابرقاهرها که مغرور زر و زورند خاتمه خواهد داد : (**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ * وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ * وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ * الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ * فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفِسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْمُرْصَادِ)** .^{۳۵}

با عنایت به مطالب گذشته می توان گفت : اسلام ، هم مدعی تصالح علوم است و هم قبله نماى آنها ؛ اما تصالح علوم برای اینکه هر علمی به مثابه تفسیر درست از زاویه خاص نظام فرینش است و چون صدر و ساقه نظام هستی هماهنگ است : (**... ما تری فی خلق الرحمن من تفاوتٍ فارجع البصر هل تری من فطورٍ**) .^{۳۶} بنابراین ، سراسر علوم ، هم وا خواهد بود ؛ اما قبله نمایی علوم بودن اسلام ، برای آن است که دستور رسمی خدا ، تبیین جهت انتفاع از دانش بشر ، پرهیز از سلاح کشتار جمعی ، اجتناب جدی از به کارگیری نیروی مخرب اتمی و از هر چه صلح عادلانه انسانها را تهدید و امنیت آنان را تحدید می کند ، است.

۸. اسلام ، رسالت اصیل رهبران دینی و علمی امتهای را در دو رکن رکن خلاصه می کند : یکی از آن دو به رهبران برمی گردد و دیگری به رهروان. اما آنچه به پیشوایان رجوع می نماید ، تزکیه عقل نظری و تزکیه عقل عملی و تضحیه نفس مسووله و آماره است ؛ زیرا خطری که علمای بزرگ را تهدید می کند ، شهوت جسمی یا غضب غریزی نیست ؛ بلکه جاه طلبی و داعیه خودمحوری داشتن و نظایر آن است.

^{۳۵} - سوره فجر ، آیات ۶ - ۱۴ .

^{۳۶} - سوره ملک ، آیه ۳ .

قرآن کریم ، ضمن تکریم عالمان الهی و ردیف قرار دادن آنان با ملائکه : (**شهد الله أنه لا إله** **لأهو و الملائكة و أولوا العلم قائماً بالقسط لا إله لأهو العزيز الحكيم**)^{۳۷} چنین فرمود : فرشتگان مصون از گناه هستند : (**... لا يعصون الله ما أمرهم ...**)^{۳۸} ؛ لیکن اگر ذنبی درباره نها فرض شود ، که البته چنان مفروضی واقع نمی شود ، همانا ادعای الوهیت است ؛ (**وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ** **من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين**)^{۳۹} ؛ بنابراین ، نهایت مراقبت برای رهبران دینی و فکری لازم است.

اما آنچه به مردم برمی گردد ، ابلاغ صحیح سنت و سیرت پیام و ران الهی است تا روشن شود اولاً دین از سیاست جدا نیست و ثانیاً موجبات صلح جهانی که آرمان همگان است ، چیست و ثالثاً موانع تحقق صلح جهانی کدام است و بالاخره راه عملی برقراری آن چه خواهد بود. آنچه به عنوان بیت لغزل و واسطه‌العقد تاریخ پرافتخار انبیا بعد از توحید و پرستش خدای یگانه و یکتا مشهود است ، همانا ظلم ستیزی برای برقراری صلح عادلانه جهانی است ؛ به عنوان نمونه : (**قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم و الذين معه إذ قالوا لقومهم إنا برءاؤا منكم و ممّا** **تعبدون من دون الله ...**)^{۴۰}.

حضرت خلیل الرحمان (علیه السلام) با تحمل رنج توان فرسای (**... حرّوه و انصروا الهتکم ...**)^{۴۱} از مبارزه با نمرود طاغی دریغ نکرد ، موسای کلیم (علیه السلام) با شعار ظلم زدایی (**... ربّ بما أنعمت علی فلن أكون ظهیراً للمجرمین**)^{۴۲} به صحنه سیاست دینی پا گذاشت و مسلمانان سراسر جهان رهروی چنین راه را در نمازها از خدا می طلبند : (**صراط الذين أنعمت علیهم ...**)^{۴۳}. دستور رسمی خدای سبحان به موسای کلیم (علیه السلام) برای براندازی نظام سُلطه و

^{۳۷} - سوره آل عمران ، آیه ۱۸.

^{۳۸} - سوره تحریم ، آیه ۶.

^{۳۹} - سوره انبیاء ، آیه ۲۹.

^{۴۰} - سوره ممتحنه ، آیه ۴.

^{۴۱} - سوره انبیاء ، آیه ۶۸.

^{۴۲} - سوره قصص ، آیه ۱۷.

^{۴۳} - سوره حمد ، آیه ۷.

گسترش نظام عدل و صلح این بود: (و لقد أرسلنا موسىٰ بإياتنا أن أخرج قومك من الظلمات إلى النور و ذكرهم بأيام الله إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور)^{۴۴}. هنوز فرمان ظلم رومی (إذهب إلى فرعون إنه طغي)^{۴۵} در سامعه تاریخ طنین افکن است و دستور ستم سوزی (و إذ نادى ربك موسىٰ أن اتت القوم الظالمين)^{۴۶} می خروشد ، هنوز معجزه تدمیر و خسف قارون : (فخشفنا به و بداره الأرض ...)^{۴۷} در قله قدرت غیبی در اهتزاز است.

شما ای رهبران دینی و زمامداران فرهنگی جهان به مردم اعلام نمایید : پیروی از پیامبر خدا سبب می شود تا خطرناک ترین راه در ظل اطاعت خدا آسان شود : (و لقد أوحينا إلى موسىٰ أن أسر بعبادی فاضرب لهم طريقاً في البحر يبساً لا تخاف دركاً و لا تخشى)^{۴۸} ، تمرّد از هدایت رسول خدا سبب می شود آسان ترین راه به صورت تیه درآید : (قال فإنها محرمة عليهم أربعين سنةً يتيهون في الأرض فلا تأس على القوم الفاسقين)^{۴۹}.

سیره ظلم ستیزی عیسیای مسیح (علیه السلام) چونان پیامبران دیگر در دیوان الهی مضبوط است : (يا أيها الذين امنوا كونوا أنصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين من أنصاري إلى الله قال الحواريون نحن أنصار الله فأمنت طائفة من بني إسرائيل و كفرت طائفة فأيدنا الذين امنوا على عدوهم فأصبحوا ظاهرين)^{۵۰}.

آنچه در پایان ، توجه به آن لازم است این است که هرگونه توسعه جهانی ، خواه تجارت ، خواه سیاست و خواه امور دیگر در پرتو صلح عادلانه جهانی جلوه می کند ؛ و گرنه توسعه آن امور ، محصولی جز توسعه فساد و ناامنی ندارد و استقامت در راه خدا سبب نزول فرشتگان تأیید

^{۴۴} - سوره ابراهیم ، آیه ۵.

^{۴۵} - سوره طه ، آیه ۲۴.

^{۴۶} - سوره شعراء ، آیه ۱۰.

^{۴۷} - سوره قصص ، آیه ۸۱.

^{۴۸} - سوره طه ، آیه ۷۷.

^{۴۹} - سوره مائده ، آیه ۲۶.

^{۵۰} - سوره صف ، آیه ۱۴.

خواهد بود و تجربه شیرین جمهوری اسلامی ایران از نتایج سحر صبر و پایداری برای برقراری صلح جهانی است : « باش تا صبح دولتت بدمد » .

شهریور ۱۳۷۹

جوادی آملی
